

این شماره تقدیم می شود به :

■ امیر دریاسالار

شهید علی شمخانی

رییس شورای عالی دفاع

ویژه نامه خط ۶

بسته روزانه محصولات منتخب ادبی برای اجتماعات میدانی

باشگاه جهادی شاعران انقلاب اسلامی «خط» | khat_sher

بسم الله الرحمن الرحيم


خط
باشگاه جهادی شاعران انقلاب اسلامی
khat_sher



فهرست

متن حمـاسی..... ۷
تک بیت ها ۹
رباعی و دوبیتی.....۱۲
اشعار.....۱۵
شعارها.....۲۱

ویژه نامه خط

سرخط

گر می برندت واصلی گر می‌روی بی حاصلی

روزهای جنگ چیزی ما را چونان خاشاکی که بر جویباری افتاده باشیم، شبها به اقیانوس خیابان‌ها می‌کشاند. چه‌چیزی؟ درست نمی‌دانیم. در لحظه‌ی فقدان رهبری که ۳۷ سال گویی چیزی را از جانب ما به دوش گرفته بود و حالا آن‌را به ما سپرده بود و رفته بود... ناگهان و بدون اطلاع قبلی!

ما در بُهت و درماندگی مانده بودیم که چگونه باید راه را پیمود. گویی ما پیش از او همه چیز را به او سپرده بودیم. ما هم چیزی شبیه به بنی‌اسرائیل شده بودیم آن‌گاه که موسی آنها را دعوت کرد که به سرزمین مقدس وارد شوند... يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ(مائده آیه ۲۱) اما در کمال ناباوری وقتی مردمان سختی ورود در آن سرزمین را دیدند به موسی گفتند تو و پروردگارت بار ما را بردارید و به‌جای ما بجنگید:

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (مائده آیه ۲۴)(گفتند: ای موسی! تا آنان در آنجایند، ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید و بجنگید که ما در همین جا نشسته‌ایم.)

گویی شهادت رهبرمان ناگهان ما را از کفری شبیه به کفر بنی‌اسرائیل بیرون آورد و در درگاه ارض مقدس بی‌پناه رهایمان کرد. بی‌پناهی، رعب‌آور و هولناک است. ما دو راه داشتیم، یا آنکه فرار کنیم و یا برای برداشتن آن بار مبعوث شویم. خداوند ما را در ۹ اسفند ۱۴۰۴ مبعوث کرد.

ما را که حالا بی‌اراده شده بودیم از خانه‌ها بیرون کشیدند و زیر آسمان به هم پیوند دادند. پیوند و بعثت ما از عجز و بی‌ارادگی ما بود. از حیرت‌مان در برابر اراده‌ی الهی، از احساس ناگهانی بی‌پناهی، از شک به خود و دارایی و توانایی‌مان و انتظار کشیدن برای نصرت الهی. این بود که ناگهان ما را مظهر قدرت خدا کرد و کشوری را که می‌رفت زیر آوارهای خیابان کشور دوست دفن شود، چون ققنوسی برکشید. خیابانها هنوز مملو از جمعیت است؛ اما من نمی‌دانم که هنوز ما را می‌برند یا خودمان می‌رویم؟! گر می‌برندت واصلی، گر میروی بی‌حاصلی.

آیا ما هنوز در شور و گرمای بعثت که از عجز در درگاه حق نشات می‌گرفت به خیابان کشانده می‌شویم یا آن را همچون عادتی سیاسی از سر اراده‌ی معطوف به حفظ قدرت انجام می‌دهیم؟ نمی‌دانم.

دکتر وحید یامین‌پور

متن حماسی



مردم! جمع‌تان بوی گل محمدی می‌دهد. غوغای صلوات است اینجا. تسبیح‌ها و صلوات شمارها در دستتان می‌چرخند و درود های بی پایان خدا بر محمد و آل محمد به آسمان می‌رود. خدای محمد پشت و پناهتان باشد. سلاح خیابان‌دارها فقط مشت و پرچم و شعار نیست. ذکر و دعا و استغاثه هم هست. چه موشک‌هایی که از قنوت نماز شما بلند شد و بر فرق دشمن فرود آمد. چه معجزاتی که از آغوش نماز استغاثه شما پر کشید و به مدد رزمندگان شتافت. اگر نباشند این دعاها، این تضرع ها و توسل‌ها کجا به هدف می‌خورد موشک های‌ما که بنده بی دعا و تضرع به درگاه الهی هیچ است و پوچ. ما هم شبیه اصحاب طالوت می‌گوییم خداوندا برما صبری نازل کن و قدم های مان را استوار بدار و بر کفار پیروزمان گردان. بزرگان توصیه کرده اند در مواجه با مسائل سیل صلوات به راه بیاندازید. پس بگردانید تسبیح ها را تا سیل صلوات‌تان نیل به راه بیاندازد و فرعون معاصر را غرق کند. بلند و غرا سه مرتبه صلوات می‌فرستیم بر محمد و آل محمد

اللهم صل علی محمد و آل محمد

نویسنده:فاطمه‌موسی

تک بیت‌ها



امتیـــاز ماســـت مُـــردن! می کُشـــند و غافلنـــد
دم بـــه دم بـــا مـــرگِ مـــا بازنده‌تـــر خواهنـــد شـــد

محمدحسین ملکیان

شـــمرها آغـــوش وا کردنـــد، امـــا بـــاک نیســـت
وعـــدهٔ مـــا دور میـــدان حسیـــن بـــن عـــلی..

ناصر حامدی

جان می‌دهند و مشتی از این خاک را، هرگز
باشـــند بیـــش از ایـــن اگـــر در تنگنـــا مـــردم

الهام صفالو

بـــه ســـلطنت‌طلبان هیـــچ التفاتـــم نیســـت
کـــه مـــن اگرچـــه غلامـــم غلام «پنج‌تـــن»ام

میلاد حبیبی

اگر دردی است در این خانه! درمان هم در این خانه است
مَحـــال اســـت اَجنـــبی دلســـوزتر از هموطـــن باشـــد

حسین خزایی



تـا در کـف مـا پرچـم ایـران عزیـز اسـت
بـا دسـت تـهی بازنگردیـم از ایـن جنـگ

میلاد عرفان‌پور

خـدا کنـد کـه بیفتـد سـرم بـه دامـن میهـن
ولی بـه وقـت خطـر بـار روی دوش نباشـم

لیلا حسین‌نیا

در قیل‌وقـال جیغ‌هـای رنـگی عالـم
با حنجر سـرخ شهیدان هم‌صدا هستیم

سعید تاج محمدی

مرده باد آن کس که ذاتش خوردن خون جنین اسـت
آن که می‌خواهد پریشـان کشـور و نامـوس ما را

حسن شیرزاد

سلام مـا بـه خیابـان پـر خـروشی که
نـداده اسـت بـه گـرگی اجـازۀ جولان

ملیحه رجایی

رباعی و دوبیتی



در راه خـدا تـن بـه خطـر بایـد داد
در مقـدم انـقلاب سـر بایـد داد
آن شیرزنی که شوهرش گشت شهید
می‌گفـت در ایـن راه پسـر بایـد داد

مرحوم سیدحسن حسینی

تـا جـان داریم عهد و پیمان باقی‌ست
غوغـای حضـور در خیابـان باقی‌ست
محکـوم بـه رفتن‌انـد دشـمن‌هامان
جمهـوری اسلامی ایـران باقی‌ست

مهدی شریفی

ایـن قطره مگـر کِی اقیانوس شـده؟
این شعله کجا این‌همه فانوس شده؟
هـر شـب متلاطـم خیابان‌هایـم
در حیـرتِ مردمـان مبعوث‌شـده

مهدی جهاندار



سختیم، مگر به سادگی می‌میریم؟
ما بر سر ایستادگی می‌میریم
با خاک تو خون ما عجین است وطن
در راه تو خانوادگی می‌میریم

صامره حبیبی

دستانِ پلیدتان به خون آلوده‌ست
تا هست، چنین است و چنین هم بوده‌ست
پایانِ شما چقدر نزدیک شده
از محوِ شما خیالمان آسوده‌ست

ریحانه کرامتی

با دشمن خویشیم دمادم در جنگ
او با دم تیغ آمده، ما با دل تنگ
ما رود مدامیم، بگویید به تیغ
ما شیشه عطریم بگویید به سنگ

میلاد عرفان‌پور

اشعار

می‌رسد تا آسمان، نور از خیابان شما
ای بلا و فتنه‌ها دور از خیابان شما

تا حریم حضرت خورشید جاری می‌شود
پرتو «نورٌ علی نور» از خیابان شما

این همان خط مُقدم هست و اینجا سنگر است
ای عزیزان! چشم بد دور از خیابان شما

راستی هرلحظه می‌گیرند نیرو و توان
مرزبانانِ سلحشور از خیابان شما

تا بریزد آتش حسرت به قلب دشمنان
دست از رزمنده، دستور از خیابان شما

بشکند دستِ منافق‌پیشهٔ شیطان‌صفت
قطع گردد پایِ مزدور از خیابان شما..

می‌رسد تا مسجدالاقصی اگر همت کنید
این همه فریاد پرشور از خیابان شما

محمدجواد غفورزاده

کجا هم قدم می شوم با شهیدان ؟
خیابان خیابان خیابان خیابان

چه در دست داریم ؟تسبیح و پرچم
چه ذکری به لب هاست؟ایران و ایران

بیا و در این جمعیت بندگی کن
که با ماست دست خداوند رحمان

به مسجد بگو هر چه دارد بیارد
که در شهر سنگر گرفته ست ایمان

به مسجد بگو که دو گل دسته ی او
دو موشک شود مثل سجیل و رضوان

خوشا خط دودِ دویده به شب ها
که بر خِطه ی کفر شد خط بطلان

از آن لحظه شد زنده تر مکتب ما
که کشتید ما را دبستان دبستان

چه‌شب‌های‌قدریست‌هرسمت‌رفتم
شهیدان شهیدان شهیدان شهیدان

محمد خادم



به گوشِ جان خبرهای مسرّت‌بخش می‌آید
که در چشمِ «هَماوَن»، «رستمی» بارخش می‌آید

بلندی‌های جولان را تلی از خاک خواهد کرد
تو را از صفحه‌ی تاریخ، ایران پاک خواهد کرد

خوشا از شورِ میهن، چشم را لبریز می‌بینیم
که قلدرهای مغرور جهان را ریز می‌بینیم

ببین امواج غیرت را، خیابان در خیابانند
تماشا کن تماشا کن که زن‌ها مرد مِیدانند

شبی بر نقطه‌ی تاریک دنیا نور می‌ریزیم
تو را با دست‌های مشت‌کرده دور می‌ریزیم

کلاغ شومتان بی‌شک شکار باز می‌گردد
که حیدر با شکوهِ ذوالفقارش باز می‌گردد

کسی که بادنوش جام سلطان نجف باشد
نباید بی‌طرف باشد، نباید بی‌شرف باشد

همین امشب به فکرش باش فردا دیر خواهد شد
که این گربه اگر پایش بیفتد شیر خواهد شد

دعایِ دست‌های کوچکِ میناب می‌گیرد
به زودی لانه‌های نحستان را آب می‌گیرد

عمران بهروج

دیدمت مثل من دلت خون بود
خشمت از حد وصف بیرون بود
در دلت موج موج غصه و خشم
مشت تو اشک‌های مجنون بود
کِیف کردم که با تو هموطنم

آمدی کودکی به دوشت بود
صد ترک دست سخت کوشت بود
چشمهایت هنوز می‌جوشید
انتقامِ «ولیّ» خروشت بود
کِیف کردم که با تو هموطنم

با عصا آمدی قدت خم بود
چشمهایت لبالب از غم بود
دستهایت اگرچه می‌لرزید
لحن تکبیرهات محکم بود
کِیف کردم که با تو هموطنم

خبر فتح و افتخار آمد
کودکت با شعار بار آمد
بس که جانانه آمدی میدان
کودکت نیز پای کار آمد
کِیف کردم که با تو هموطنم

پیرهن مشکی و عزاداری
پای ایران هنوز بیداری
ما کنار همیم با لبخند
مهربان‌تر شدیم انگاری
کِیف کردم که با تو هموطنم

توی ماشین دوتا سه تا پرچم
گرم رزمیم تا سحر باهم
مشت دست چپِ گره کرده
غم او هست و عزممان محکم
کِیف کردم که با تو هموطنم

راضیه جبه داری



نه از طوفان نه از طغیان، نمی‌ترسیم از این دوران
خدا با ماست هر لحظه، خدا با ماست در پایان

خدا با ماست حالا که به دل داغ پدر داریم
خدا با ماست حالا که نشسته زخم بر ایران

خدا با ماست حالا که نگاه مادران خیس است
خدا با ماست یعنی می‌رسد از آسمان باران

صدا فریاد، دستان مشت، سینه چون سپر در باد
خدا گفته‌ست ما تنها نمی‌مانیم در میدان

ید بیضا به دست ماست موسی‌وار می جنگیم
بگیرد اژدها ای کاش دشمن را به یک دندان

هزاران آیه‌ی قرآن محمد دارد و در آن
بشارت داده فتح مومنین را حضرت سبحان

که ما پیروز میدانیم و پای عشق می‌مانیم
پسر بعد از پدر، بستیم با حق باز هم پیمان

ببین شور شبانه در خیابان‌های ایران را
بده فرمانده یک بار دگر بر لشگرت فرمان

گلستان می‌شود ایران و آتش در دل حیفا
زبانه می‌کشد تا که بسوزد آخرین شیطان

فرزانه شفیعی

شعارها



شعار۱

نظـم نُویـنِ جهـان ایــرانِ صاحب‌زمان
حـامیِ مسـتضعفان ایــرانِ صاحب‌زمان
پیروزِ هـر چه میدان ایــرانِ صاحب‌زمان
شـد سـربلندِ دوران ایــرانِ صاحب‌زمان
مردوزنش،رجزخوان ایــرانِ صاحب‌زمان
چنان موجِ خروشـان ایــرانِ صاحب‌زمان
پاینـــده بـــاد ایـــران ایــرانِ صاحب‌زمان

شعار ۲

ای امّت مسلمان
دلبستگان قرآن
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

بیعت نمی‌کنیم ما
با فاسدان دنیا
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

حتی اگر بمیریم
ظلمی نمی‌پذیریم
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

ما تشنه‌ی عدالت
دلداده‌ی شهادت
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

ما دشمنان شیطان
گوییم از دل و جان
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

شیطان بریده از ما
از بس شنیده از ما
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

وحدت که بیشتر شد
تهدید بی اثر شد
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

ما غرقِ عشق و شوریم
ما امت ظهوریم
هیهات منا الذلة
هیهات منا الذلة

شعار ۳

گویـد تمـام ایـران: **سلامِ مـا به لبنان**
ذکـر لـب شـهیدان **سلامِ مـا به لبنان**
از غـزه تا بـه تهران **سلام مـا به لبنان**

(ماشاءَاللّه
یا حزب الله) ۳

نشکسته عهد و پیمان **سلامِ مـا بـه لبنان**
بگو تـو ای مسـلمان **سلامِ مـا بـه لبنان**
کوری چشـم شیطان **سلام مـا بـه لبنان**

(ماشاءَاللّه
یا حزب الله) ۳

شعار ٤

ما ذوالفقار حیدریم حیدر یا حیدر
منتقمان رهبریم حیدر یا حیدر
از خونِ او نمی‌گذریم حیدر یا حیدر

(ما فاتحان خیبریم
حیدر یا حیدر)٢

کابوسِ قوم کافریم حیدر یا حیدر
برای بت‌ها تبَریم حیدر یا حیدر
به قلبِ فتنه خنجریم حیدر یا حیدر
ما جان‌فدای کشوریم حیدر یا حیدر
گفته خدا که برتریم حیدر یا حیدر
ما امّت پیمبریم حیدر یا حیدر

(ما فاتحان خیبریم
حیدر یا حیدر)٢


خط
باشگاه جهادی شاعران انقلاب اسلامی
khat_sher